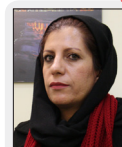


## در دهه اول محرم در کرمان؛ دومین سوگواره هنری «سرو سرخ» برگزار می شود



مرجان  
عالیشاهی

گروه جامعه: شهردار منطقه دو کرمان از برگزاری دومین سوگواره هنری سرو سرخ «طراحی علم‌های عاشورایی» با همکاری سازمان فرهنگی اجتماعی شهرداری خبر داد.

علی رحیمی‌راد افزود: «این سوگواره دهه اول محرم در پارک مادر با حضور هنرمندان و علاقه‌مندان برگزار خواهد شد که در کنار آن شاهد برنامه‌های فرهنگی مرتب‌تی نیز خواهیم بود.»

وی پایان فراخوان را ۱۵ تیرماه سال جاری بیان کرد و ادامه داد: «جلسات داوری ۱۶ و ۱۷ تیرماه انجام و طرح‌ها نهایی خواهد شد.»

رحیمی‌راد تعداد برگزیدگان را ۶۰ اثر اعلام کرد و یادآور شد: «سوگواره از ۲۰ تیرماه آغاز می‌شود و تا ۲۴ تیرماه ادامه خواهد داشت.»

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه دو کرمان، وی در توضیح بیشتر با اشاره به اینکه سال گذشته اولین سوگواره هنری «سرو سرخ» در شهرک شهید باهنر (مجاور پارک نظام مهندسی) برگزار و با استقبال خوب هنرمندان و علاقه‌مندان مواجه شد، بیان کرد: «بر همین اساس طی نشست‌های انجام‌شده و با دستور شهردار کرمان مقرر شد دومین دوره این سوگواره هنری به همت و تلاش همکاران شهرداری منطقه دو و با همکاری سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری در دهه اول ماه محرم امسال برگزار شود.» شهردار منطقه دو خاطر نشان کرد: «در این راستا تاکنون جلسات متعددی با اساتید برجسته استانی در بخش هنر و گرافیک برگزار و مراحل اولیه در خصوص انتخاب داوران، طراحی پوستر، تبلیغات و فراخوان انجام شده است.» وی با بیان اینکه این سوگواره به منظور مشارکت و حضور هنرمندان برای خلق آثار عاشورایی برگزار خواهد شد، اضافه کرد: «در این رویداد ۶۰ علم عاشورایی برای طراحی در اختیار هنرمندان که طرح‌های آن‌ها در دبیرخانه سوگواره تایید شده است، قرار خواهد گرفت.»

رحیمی‌راد با بیان این که مه‌ران رضاپور، عفت تکلو، فتنه جلال‌کمالی، بهشته بهشتی هیات داوران این سوگواره هستند، افزود: «جوایز پنج نفر اول این سوگواره به‌زودی نهایی می‌شود و در مراسم اختتامیه به هنرمندان پرداخت خواهد شد.»

وی خاطر نشان کرد: «در پایان، اثرهای هنری خلق‌شده توسط هنرمندان در سطح شهر کرمان نصب خواهد شد.»

## رئیس کمیسیون فرهنگی شورای شهر کرمان خواستار شد؛

## قلیان کشی در شهر بازی و پارک‌های کرمان ممنوع شود

گروه جامعه: رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر کرمان گفت: «شهروندان زیادی در مورد استفاده از قلیان در پارک‌ها، مکان‌های عمومی و به‌ویژه شهر بازی اعتراض کرده‌اند. از شهرداری می‌خواهیم که برای ممنوعیت ورود قلیان در فضاهای عمومی پیش قدم شود.»

محمود بابایی افزود: «می‌توان در گام دوم، استفاده از قلیان را در مجموعه پردیس قائم (عج) نیز ممنوع کرد.» به گزارش کرنا، وی در نشست عمومی چهارم تیرماه اظهار کرد: «استفاده از قلیان می‌تواند برای این جنگل دست‌کاشت و ارزشمند کرمان، ضررهای احتمالی متعدد و آلودگی زیست‌محیطی در پی داشته باشد.»

وی در بخش دیگری از سخنانش بیان کرد: «در هفته‌های گذشته، این کمیسیون دو جلسه خود را به مناسب‌سازی شهر برای افراد دارای معلولیت و شهرسازی اختصاص داده است. نکته مهمی که در این جلسات مطرح شد، بر این مورد تمرکز داشت که در برخی از پیاده‌روهای پارک‌سازی‌های جدید، مثل خیابان «مه‌دیه»، اصول متناسب با افراد دارای معلولیت رعایت نمی‌شود و مناسب‌سازی فضاهای شهر به خصوص در معبرهای جدید صورت نمی‌گیرد.»

وی ادامه داد: «بنابراین، از شهرداری کرمان تقاضا داریم تا قبل از در هنگام اجرای کارهای عمرانی، این مناسب‌سازی‌ها را در نظر بگیرد چرا که اصلاح و تغییر بعد از انجام کار، هزینه و زمان بیش‌تری می‌برد.»

در رثای قلم از دست رفته نویسنده برجسته بمی؛

## نگاهی به جهان داستانی محمدعلی علومی



وقت دیگر مضحک و مایه خنده دیگران و رنج و درد خودمان نبودیم. ما می‌توانستیم برای نجات خودمان کاری نکنیم، اما ترجیح دادیم که آن نمایش طنز را بازی کنیم و با آه و افسوس به اسطوره‌ها و توانایی و قدرتشان بنگریم.

تاثیری‌پذیری مخاطب از روایت‌های داستانی علومی، به عنوان یک انسان داستان‌پرداز، برمی‌گردد به قدرت قلم او و تخیل بسیار قوی و البته شناختش از جهان داستانی که روایت می‌کرد. بارها پیش آمده کتاب او را خوانده‌ام، ولی تصاویر و وهم داستانش مدت‌ها با من بوده است.

این وهم که در بیشتر رمان‌ها و داستان‌های علومی، لایه‌های پنهان داستان را پُر کرده است؛ حاصل زندگی کویرنشینی و زیست در بیابان و همنشین با باد و اصوات آن است. یکی از ویژگی‌های مهم انسان داستان‌پرداز، زندگی در شرایط داستانی است. کویر و زندگی در حاشیه کویر، شرایط خارق‌العاده‌زیستی برای علومی فراهم کرده بود تا او را توانمند در روایت وهم و ترس پرورش بدهد.

روایت‌های داستانی علومی، صدادار هستند. اصوات بدون تکیه به واژه‌ها نقش مهمی در ایجاد فضای حیرت و وهم در جهان داستانی او دارند. قدرت توصیف و القای صداها، روان خواننده را درگیر می‌کند. نویسنده صدای باد، جوشش آب، شعله‌کشیدن آتش را در بطن متن نهاده است. او جزئیات زیادی از فرهنگ زیستی، حتی اطلاعات ذهنی شخصیت‌های داستانش می‌داند که با قدرت قلمش آن را به مخاطب کتابش ارائه می‌دهد.

ما بعد از خواندن سوگ مغان، پریباد، داستان‌های غریب مردم عادی، خانه کوچک و ... در می‌یابیم که مردمان ما همیشه رُویاهای بلندی داشته‌اند که گذشت زمان و مصائب هستی و رنج حیات نتوانسته آن‌ها را از زندگی که دارایی بالارزی است، ناامید کنند. اسطوره‌ها چون پناهی محکم با زندگی مردم عادی پیوند خورده‌اند و افسانه‌ها از جهان ناشناخته و دور از دسترس به بستر زیست مردم کوچه و بازار خیزده‌اند تا زندگی طاقت‌فرسا را دلپذیر و یا بهتر بگویم قابل تحمل بکنند.

جای خالی محمدعلی علومی، این انسان داستان‌پرداز و روایتگر شریف زندگی، در ادبیات ما خیلی احساس خواهد شد. هرچند او تا جایی که فرصت زندگی داشت، فرهنگ و هویت ملی ما را باری رساند.

\* منبع: ویژه‌نامه یادبود محمدعلی علومی منتشر شده در روزنامه اطلاعات سه‌شنبه ۱۲ تیرماه ۱۴۰۳

توانای ایرانی است بپردازم. می‌خواهم به محمدعلی علومی بپردازم به عنوان انسانی داستان‌پرداز که تا جان در بدن داشت، تلاش خودش را برای نوشتن و ارائه توانایی‌ها و شناساندن ظرفیت‌های زبان فارسی کرد، هرچند قدر ندید.

محمدعلی علومی، انسانی داستان‌پرداز بود. از این جهت که همیشه در حال نوشتن، تحقیق و پژوهش بود و توانست افق روشنی در ادبیات داستان فارسی، پیش‌روی مشتاقان نوشتن باز کند و آن افق به کارگیری اسطوره و افسانه‌های کلاسیک و عامیانه در قالب داستان امروز است که زبان جادوگر فارسی، ظرفیت باشکوهی در روایت آن دارد.

علومی نویسنده‌ای است که داستان و قصه و روایت، بخش عمده زندگی او بود. او در داستان زاده شده بود. محل تولد او سرزمین روایتگران گمنامی است که قصه‌های شفاهی را سینه به سینه، نسل به نسل نقل کرده بودند تا به او برسد که پژوهشگر و جستجوگر حوادث و ماجراهای داستانی در بستر تاریخ بود. هر جای آن دیار پا می‌گذاشت، در کوچه‌پس‌کوچه‌ها و محله‌ها، همه از اقوام و طوایف مختلف برای او داستان‌های اسطوره‌ای نقل می‌کردند.

او در بین انبوهی از روایت‌های داستانی پرورش یافت و در جوار ارگ بم که خود داستانی نانووشته اما نقل شده بود، او در خوراک ذهنش شب و روز قصه بود. او در داستان‌ها بیشتر از واقعیت زندگی، زیست کرد. زیرا مردمانی که بین آن‌ها زندگی می‌کرد، اسطوره‌ها و قصه‌ها را بیشتر از سیاست و اقتصاد و دیگر واقعیت‌های زندگی می‌شناختند. گفتگوی روزمره آن مردم، بیشتر از قهرمانان و اسطوره‌ها بود تا آدم‌های واقعی که زمام امور مملکت را در دست گرفته بودند. جامعه ایرانی از قدیم‌الایام به جامعه‌ای شعر دوست و شاعر مسلک معروف بوده است. اما واقعیت این است که ایرانی‌ها بیشتر از عروض و قافیه و وزن و زیبایی شعر، دل‌باخته روایت‌های داستانی به نظم درآورده شده بوده‌اند. وقتی به ادبیات در اقلیم‌های مختلف سرزمین پهناورمان می‌پردازیم، درمی‌یابیم که خرده‌روایت‌های داستانی زیادی بین مردم و یا بهتر بگویم نسل قدیمی‌تر وجود دارد که موجب شکل‌گیری شعر و نظم در آن منطقه شده است.

یکی از منابع و سرچشمه‌های فکری علومی، شناخت اسطوره‌ها و فرهنگ ایرانی و ادبیات کلاسیک فارسی بود که اشراف کامل و تسلط خوبی بر آن داشت و یکی از بزرگترین دغدغه‌های همه زندگی‌اش شناساندن فرهنگ و تمدن فارسی به نسل جدید بود. او سال‌ها پیش، آن زمانی که وارد عرصه ادبیات فارسی شد، برای هویت ملی ما احساس خطر می‌کرد و معتقد بود که فقط ادبیات می‌تواند هویت ایرانی را نجات بدهد. آن زمان که او قدم در مسیر احقاق حق زبان و فرهنگ و ادبیات فارسی گذاشت، هنوز ما با این حجم از ترجمه‌های داستانی مواجه نشده بودیم.

ترجمه‌هایی که فرهنگ و تمدن ایرانی، قصه‌های بسیار قوی‌تر و درخشان‌تر از آن‌ها را برای ما به ارث گذاشته است؛ ولی متأسفانه چون کمتر نویسنده‌ای سراغشان رفته، برای نسل امروز ناشناخته و همچنان در لایه‌های ادبیات سنگین کلاسیک و تاریخ ناخوانده و ناپرداخته قدیم مسکوت باقی مانده است.

در جوامع بشری، یک شاخصه مهم و کاربردی را برای انسان مدرن متصور می‌شوند که هرکجا به آن اهمیت داده‌اند و آن ویژگی بشری جایگاه اصلی خودش را یافته، توانسته خدمات زیادی به جامعه ارائه بدهد که بارزترین آن خدمات، شناساندن فرهنگ و ادبیات آن جامعه در سطح جهانی بوده است.

این شاخصه انسانی، داستان‌پردازی انسان است که امتیاز و توانایی جدید و تازه‌ای نیست، اما در جوامع مدرن، پس از گذر از سنت‌ها به شکل ارتقاء یافته و کامل آن مورد توجه قرار گرفته است و به عنوان ابزار دفاعی و تبلیغ برون مرزی فرهنگ و تمدن و زبان استفاده می‌شود. هنر از دیرباز پرچمدار و معرف تمدن‌ها، زبان‌ها و اندیشه‌های مختلف بشری بوده است. در جامعه ایرانی به این مهم آنچنان که باید توجه نشده و انسان داستان‌پرداز، جایگاه واقعی خودش را پیدا نکرده است. پس هنوز نتوانسته خدمت شایسته‌ای که توانایی انجامش را دارد، به زبان و ادبیات فارسی در جهان بکند. من نمی‌خواهم به عواملی که سد راه نوشتن و ارائه آگاهی از سوی داستان‌نویسان

داستانی مدرن بکند.

علومی اسطوره‌ها را که منبع و سرچشمه خیلی از روایت‌های داستانی هستند، از دل روایت‌های منظوم و شفاهی جستجو کرد، یافت، شناخت و با به خدمت‌درآوردن آن‌ها در قالب داستان، حق بزرگی برای خود بر گردن فرهنگ ایرانی و ادبیات داستان فارسی به یادگار گذاشت.

او چهره‌ها و الگوها و نمادهای معمولاً غیرانسانی و خداگونه را به شکل انسانی، شهری و البته شگفت‌انگیز در رمان‌هایش مطرح کرد و تا جایی که دنیای گسترده داستانی به او میدان می‌داد، آن همه ناشناخته را در جامعه امروزی به انسان امروزی معرفی کرد. آن همه فراواقعیت را در جهان واقعی گنجانده و در قالب داستان هویت و آبرو و اعتبار ایرانی را ارج نهاد.

کسانی که جهان داستانی علومی را می‌شناسند، بر این باور هستند که او به عنوان داستان‌پرداز، چنان به روایت اسطوره‌ها پرداخته که فردوسی در شاهنامه برای حفظ زبان فارسی حماسه‌سرایی کرده است. او را نویسنده انسان محوری می‌دانند که بر اصول فکری و باورهای اقلیم جنوبی چتر گسترانده و به روایت‌های طبیعت‌محور، باور و دین‌محور و البته زن‌محور، آن غنای فرهنگی را با تسلط کامل روایت کرده است. هماهنگی زبان و روایت او با روایت‌های بومی و محلی از اسطوره‌های جنوبی خواننده را متحیر می‌کند.

شکل کامل اسطوره‌های عام را چنان به مخاطب معرفی می‌کند که تا مدت‌ها از خاطرش پاک نمی‌شود. اسطوره‌های محلی که نمونه کوچک‌تر و خرده‌اسطوره‌ای از نمونه‌های عام و ملی هستند، در قالب داستان‌های علومی پروبال می‌گیرند و مخاطب از هجوم بی‌وقفه آن‌ها و صحنه هنرنمایی‌شان به وجد می‌آید.

می‌گویند انسان وقتی در رنج و ناتوانی و درد گرفتار می‌شود، زبان طنز را برای روایت سرگذشت خود انتخاب می‌کند. انگار که آنچه بر او رفته، تقدیری بوده که از پیش نوشته شده تا عده‌ای را بخنداند. طنز، دستمایه دیگر در روایت داستانی علومی بود که با قدرت به کار گرفته شده است. او انسان تحت ظلم حاکمین و بالادست یا انسان فرودست و سگسخت‌خورده از حماقت خویش را با تبحر به واگویی‌ها و گفتگوهای طعنه‌آمیز و کرشمه‌دار وا می‌دارد.

شخصیت داستانی را بیخ گوش خواننده کتاب به زمزمه او می‌دارد که همه ما بازیگران یک نمایشنامه خنده‌دار بوده‌ایم که کافی بود از صحنه خارج شویم، آن

ما بعد از خواندن سوگ مغان، پریباد، داستان‌های غریب مردم عادی، خانه کوچک و ... در می‌یابیم که مردمان ما همیشه رُویاهای بلندی داشته‌اند که گذشت زمان و مصائب هستی و رنج حیات نتوانسته آن‌ها را از زندگی که دارایی بالارزی است، ناامید کند.

در پس هر شعر، یک روایت داستانی و قصه و حکایت، چون کوه ایستاده است. بیشتر این روایت‌ها هم داستان‌های عاشقانه و البته اسطوره‌ای هستند. اسطوره‌ها زمانی شکل گرفته‌اند که انسان در رنج و سختی، بی‌پناه و درمانده، البته امیدوار باقی مانده است. محمدعلی علومی از معدود داستان‌نویسانی بود که بعد از کشف غنای ادبیات کلاسیک ایرانی، تصمیم گرفت برای اعتلای هویت ایرانی، خرده‌روایت‌های فرهنگی را ارزش بگذارد و وارد دنیای